



چرا فعالیت‌های ترویج حجاب کم بازده بوده است؟!

■ معصومه طاهری
موضوع حجاب و عفاف یکی از دغدغه‌های هر ایرانی مسلمان و مذهبی است که طی سال‌های اخیر وضعیتش ناگوارتر و بدتر از قبل می‌شود. در دهه ۷۰ شاید زیاد این موضوع دیده نمی‌شد اما در آن زمان پاسخ به سوالات جوانان و نوجوانان در زمینه حجاب مورد توجه مسئولان نبود و چندان به آن اهمیت داده نمی‌شد که در سایه این بی‌توجهی‌ها، بستری مساعد برای شیعه‌سازی‌ها ایجاد شد. به این صورت که متأسفانه در این دوره به جای پاسخ

به سوالات و شبهات ذهنی افراد، بیشتر با نگاه قه‌ری و سلبی به آن می‌پرداختند. در دهه ۸۰ هم سیاستپوین از این مقوله برای مقاصد و نیت خود بهره بردند، چنانکه در سال ۸۸ اهالی فتنه با علم به مفاسدش به کشور باز کردند و با باز شدن پای ماهواره در کشور، کم‌کم فرهنگ مردم ایرانی هم متأثر از آن شد و سبک زندگی اغلب خانواده‌ها متأثر از سریال‌های ترکی و کره‌ای‌ها شد و دیگر خواه‌ناخواه تغییر رنگ داد. به طوری که آمار طلاق بالاتر رفت. یعنی مسئولان متعدد دیگری هم در پی داشتند. اینجانب بود که مسئولان به تکاپو افتادند. به همین خاطر بودجه‌های کلانی برای فعالیت‌های فرهنگی و ترویج حجاب هزینه شد اما سؤال این است که چرا با وجود بودجه‌های زیاد در طول ۱۰ سال گذشته آن طور که باید خروجی مؤثری در این رابطه نداشته‌ایم و همچنان سیر بیمارگونه حجاب و عفاف در کشور جریان دارد؟!

البته فرهنگ مقوله پیچیده‌ای است که مانند پازل باید تمام عناصر آن مورد توجه قرار گیرد، اما بسا این حال در زمینه بودجه حجاب هزینه‌هایی که برای حجاب خرج شد تأثیرگذار نبودند چون متأسفانه گلوگاه‌های بزرگی در کشور وجود دارد که با تقسیم بودجه‌ها، کاسین‌ها فرهنگی هم در این مسیر شکل گرفتند. این کاسین‌ها الزاماً چهره‌های غیرمذهبی نداشته و ندارند. مسئولان بوده‌اند و فقط دلخوش به بیلان‌های آخر سال کرده‌ایم و



معاون گردشگری:

گردشگران فرهنگی بیشترین سهم را در گردشگر ورودی دارند

معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: «در سال ۹۶ تعداد ۹ میلیون گردشگر خارجی داشتیم که نیمی از آنان گردشگران زبارتی بودند». محمد محب‌خدایی، معاون گردشگری کشور، روز جمعه با بیان اینکه بیشترین شمار گردشگران مذهبی در سال گذشته به مقصد عراق بوده است، افزود: «از ۵/۴ میلیون گردشگر خارجی زبارتی، قریب به ۵۰ درصد آنان زائران حسینی بودند». او با اشاره به شرایط ایده‌آل ایران برای میزبانی از گردشگران اظهار کرد: «آثار تاریخی و فرهنگی کشور ما مطلوب هر گردشگر علاقه‌مند به میراث فرهنگی و تاریخی است و به همین دلیل گردشگران فرهنگی بیشترین سهم را در گردشگر ورودی ایران دارند». محب‌خدایی ایران را یکی از کانون‌های گردشگری پاک و جلال‌ذکر کرد و گفت: «گردشگری ایران بی‌نیاز از ویژگی‌ها و جاذبه‌های خارج از عرف و اخلاق است و با توجه به استقبال روزافزون کشورها از گردشگری فرهنگی، با تعریف رویدادها و بسته‌های مسافر در این زمینه نیز می‌توانیم میزان بخشی از گردشگران جهان باشیم» و شمار گردشگران زبارتی به کشور را

مردم بهترین‌های رادیو در نوروز را انتخاب کردند

«عید من» در نوروز اول شد



■ محمدصادق عابدینی
برای نخستین بار، بهترین و پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیویی به انتخاب مردم معرفی شدند و برنامه «عید من» رادیو جوان عنوان بهترین برنامه نوروزی رادیو را به دست آورد. مردم را پاسخ گوید و نه تأثیر مثبت فرهنگی در خصوص حجاب بگذارد. این موضوع را وقتی بیشتر حس می‌کنیم که در عرصه حجاب با برخی آثار زیبا و اثرگذار مواجه می‌شویم اما متأسفانه در جامعه دیده نشده‌اند یا نسبت به آنها کم توجهی می‌شود؛ یعنی مسئولان فرهنگی عمدتاً نه دغدغه‌ها و صد تولیدات مردمی را داشته‌اند نه انگیزه‌های برای تبلیغ تغییرات فرهنگی. در چند سال گذشته جشنواره خیلی ضعیفی با نام «ع» (رصد تولیدات فرهنگی) برگزار شد که با مدیریت تأسفیب‌بار به اجرا درآمد به شکلی که بسیاری از نخبگان فرهنگ از وجود چنین جشنواره‌های مطلع نشدند. هم سطح آثار بر گزیده بسیار نازل بود هم کیفیت پایین تفکر و دیدگاه مسئولان جشنواره را به نمایش گذاشته بودند. حال‌اسال جدید با همه‌ها و اگر هایش در پیش روست و اگر از کاستی‌ها و ضعف‌های قبل درس عبرت نگیریم و بسا بودجه‌های کلان بیت‌المال در پشت شعارها و ظاهرهای موجه مخفی شویم، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. مطمئناً همانطور که در آموزش‌های اسلامی بارها به آن اشاره شده است، وقتی سیاست مسئولیت‌کاری را نداریم باید آن را به دست افراد توانا و صالح بسپاریم و گر نه خیانت کرده‌ایم.

مسائل معاونت صدایان با درک خلأ موجود در ارتباط میان مخاطب و برنامه‌های رادیو، اقدام به برگزاری نخستین «جشنواره مردمی برنامه‌های نوروزی رادیو» کرد؛ جشنواره‌ای که گویا با استقبال خوبی از سوی مخاطبان رادیو روبه‌رو شده است و همین موضوع تداوم برگزاری جشنواره را بیشتر خواهد داشت. بر اساس اعلام روابط عمومی معاونت صدا، با توجه به استقبال خوبی که امسال از این جشنواره مردمی شد، برنامه‌ریزی، هماهنگی و توافق لازم با اداره کل روابط عمومی رسانه ملی صورت پذیرفته است تا در ادوار بعدی شرایط فنی لازم برای حضور همه شبکه‌های رادیویی بسا پرداختن به سایر بخش‌ها توسط ستاد برگزاری جشنواره فراهم شود، چرا که افزایش برنامه‌ها و پرداختن به بخش‌های مختلف، رقابت‌سازنده و تشویق برنامه‌سازان و تولیدکنندگان رادیو، این رسانه گرم را در پی خواهد داشت.

در دوره نخست این جشنواره تنها شبکه‌های سراسری رادیو ایران، جوان، تهران، سلامت، صدا، فرهنگ و ورزش برگزار شد و به گفته مدیران رادیو در صورت برگزاری دوره‌های بعدی، دیگر شبکه‌های رادیویی نیز به این جشنواره ملحق می‌شوند. «عید من» ویژه‌نامه

■ فردین آرش
نفس ساختن فیلمی در جنوب و درباره جنوبی‌ها (و هر نقطه‌ای غیر از پایتخت) به خاطر گریز از مرکز و تن ندادن به سندروم فیلم‌های تهرانی‌زده و آیرت‌مانی سینمایی ایران تحسین‌برانگیز است. به شرطی که فیلمساز با شخصیت‌ها و فضایی که بستر روایت قصه‌اش است، همزیستی داشته و عمیقاً خود را در کردار کند باشد. در فیلم «پاپ» (و همین‌طور به شکل شدیدتر در تیک‌آف و رفیق‌تر در تنهایی تنهایی) شکل از آنجا آغاز می‌شود که دختر و پسر در یک اتاق در قه‌هاش محبوس می‌شوند. شنیدن جملات او از زبان شخصیت‌های فیلم، و از آن بدتر افکندن آنها در قصه‌ای که مختص‌شان نیست، به فیلم آسیب می‌زند و مای مخاطب را اذیت می‌کند. حال آنکه برای نمونه، احمد محمود (راوی بزرگ زندگی مردم جنوب) در داستان خود از «منازعه‌ها» و «هنرمندان» خود را به نفع زندگی شخصیت‌هایش (که هستی و استقلال یافته‌اند) کنار می‌کشد. گویی او نیز در کنار ما به تماشای زندگی شخصیت‌هایش می‌نشیند، به جای دخالت و ایجاد اختلال در سرشت و سرنوشت آدم‌های داستان‌هایش. این کناره‌گیری البته معنایش حذف مؤلف در پروسه خلق نیست. چه اینکه آثار محمود نیز ترکیبی از واقعیات گوناگون و البته خیال‌بارور او هستند و نه صرفاً گزارش‌ی از واقعیت.

نگاهی به فیلم «پاپ» لکنت در بیان سینمایی

منطق کنش‌های افراد فرض گرفته شده است. بی‌نیاز برای مخاطب در جهان اثر قابل درک و دریافت باشد. «پاپ» می‌تواند در جغرافیای دیگری هم روایت شوند. مثل قصه دختری که عاشق پسر دانشجوئی شده و پسری که دختر مورد علاقه‌اش مهاجرت کرده و تنهاش گذاشته است. علاوه بر این هر سه اپیزود در طرح و پیشبرد قصه‌هایشان شدیداً لکنت دارند و سخت درآموزون و کند پیش می‌روند. فیلمساز به خاطر عدم تمرکز روی یکی از این قصه‌ها ناگزیر به روایتی گسسته از سه قصه مستقل زن داده است که در این گسستگی حجم زیادی از انگیزه‌ها و

عبدی پور فرغ است. چاشنی قصه است (با به کارگیری مدام موسیقی و لهجه جنوبی) و نه محور و اساسی. قصه‌های «پاپ» می‌تواند در جغرافیای دیگری هم روایت شوند. مثل قصه دختری که عاشق پسر دانشجوئی شده و پسری که دختر مورد علاقه‌اش مهاجرت کرده و تنهاش گذاشته است. علاوه بر این هر سه اپیزود در طرح و پیشبرد قصه‌هایشان شدیداً لکنت دارند و سخت درآموزون و کند پیش می‌روند. فیلمساز به خاطر عدم تمرکز روی یکی از این قصه‌ها ناگزیر به روایتی گسسته از سه قصه مستقل زن داده است که در این گسستگی حجم زیادی از انگیزه‌ها و



تخریب رسانه‌های مکتوب در پایتخت فرهنگ و هنر اسلامی

■ حسن روانشید
این درد دل کسانیت که بعضی روزها سری به کتابخانه رسانه ملی در پایتخت فرهنگ و هنر کشور (اصفهان) می‌زنند تا به مطالعه پرداخته یا کتابی به امانت بگیرند. اگر چه مخازن این مجموعه ظرف سال‌های پس از انقلاب اسلامی مملو از آثار ارزشمند و بعضی اوقات کمیاب است اما در عین حال محدود و معدود مشتریانی که اغلب از بانزشتگان فرهیخته و اهل مطالعه این مجموعه هستند که بعضی اوقات سری به اینجا می‌زنند تا لختلانی را دور از غوغای شهر و فارغ از مضطربان آن به تمرکز پرداخته و در کنار سایر مهربان بگذرانند. مخزن این کتابخانه دور از دسترسی از طریق نیروهای خوش‌برخورد آن درخواست خود را اعلام کند تا کتاب در اختیارش قرار گیرد. همگان است تا متوجه شوند دید و نظر مدیران پیرامون جمع‌آوری و ارائه نقد نظرهای مکتوب چگونه است اما بر اساس ضرب‌المثل معروف «ماستی که ترش است از تفارش پیداست» روی میز مطبوعات این کتابخانه که متعلق به رسانه ملی کشور است نشان از تخریب شدید و غیرقابل‌تصور دارد که برای نمونه هیچ یک از ۱۰ روزنامه کلاشهر اصفهان روی آن رؤیت نمی‌شود و تنها روزنامه‌هایی معدود و مشخص که پیداست انتخابی یک سلیقه‌ی خاص است قابل‌استفاده می‌باشد جالب‌تر از همه چند روزنامه مطرح از طبقاتی خاص است که از فضایی مناسب برخوردار بوده و هر روز به‌عنوان «گوشواره» در بهترین نقطه میز چیدمان می‌شود ولی از دیگر روزنامه‌های ارزشی سراسری همچون گونا و... در این پیشخوان رسانه ملی خبری نیست اینجا بود حالا که معاونت محترم استان‌های این رسانه در این کتابخانه و غربت جراید مطرح استانی و کشور در آن می‌داشتند تا بهتر بدانند چه نشریاتی در این کتابخانه و غربت جراید مطرح استانی و کشور در این میانه چه می‌تواند باشد؟!

*روزنامه‌نگار پیشکسوت



سعید اوحدی در اختتامیه هفتمین جشنواره شعر انقلاب:

شعر انقلاب راوی ارزش‌های درونی انسان است

رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران در آیین اختتامیه هفتمین جشنواره بین‌المللی شعر انقلاب، شعر انقلاب را بیانگر ارزش‌های درونی انسان دانست و ابراز امیدواری کرد با نگاه ویژه مقام معظم رهبری به حوزه شعر این جریان ادامه داشته باشد.

سعید اوحدی، رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران در این آیین با اشاره به اهمیت ارج نهادن به شاعران پیشکسوت گفت: شاعران بزرگ و پیشکسوت کشور هم راهگشای راه جوانان هستند و هم برای آنها ایجاد انگیزه می‌کنند. بعد از انقلاب به دلیل ماهیت جوهری انقلاب، تحولاتی در حوزه هنر اتفاق افتاد و شعر و ادبیات نیز شاهد تحولی اساسی بود؛ چرا که در فراز و نشیب انقلاب، ظرفیت‌های زیادی برای خلق هنر وجود دارد. وی با بیان اینکه تقارن برگزاری هفتمین جشنواره بین‌المللی شعر انقلاب و چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را باید به فال بیک گرفت، افزود: اگر کرانه هنر را در نظر بگیریم، در حوزه هنر شاخه‌ها و رشته‌های گوناگون، نقاشی، سینما و تئاتر به اندازه شعر انقلاب تأثیرگذار نبوده‌اند. شعر انقلاب و شعر حماسی از روز اول و اولین ساعات اسارت، اثرات خود را تا پایان دوران حفظ کرده است. اساساً این تأثیرگذاری از ویژگی‌های ذاتی شعر است. محمدرضا ترک‌زاده علمی هفتمین جشنواره بین‌المللی شعر انقلاب دیگر سخنران این مراسم بود. او با ابراز امیدواری نسبت به اینکه چنین مراسمی بتواند تداوم یابد، سخنران شعر انقلاب اسلامی سرمایه‌های کشور محسوب می‌شوند و جریان شعر انقلاب نیز دیگر به جای رسیدن است که قابل‌انکار نباشد. اگر روزگاری بود که برخی این جریان را بایکوت می‌کردند ولی امروز به جایگاهی دست پیدا کردند که مخالفانش نیز آن را نقد می‌کنند و به رسمیت می‌شناسند. این مسئله و موجی را که انقلاب اسلامی برای ادبیات به وجود آورده با به فال بیک و جدی بگیریم.

دلایلی که این برنامه شنیده شد، قطعاً بحث محتوایی آن بوده است. اینکه ما همیشه سعی کردیم در برنامه «صبح جمعه» صدای مردم باشیم و مشکلات آنها را بسا زبان طنز به گوش مسئولان برسائیم. فضای برنامه به لحاظ فرم و اجرا فضایی کاملاً شاد است. تا جایی که اگر مخاطب کسالت و ناراحتی داشته باشد، به محض آنکه پیچ رادیویش را باز کند حالش بهتر می‌شود. در حال حاضر ۵۳ نفر اعم از بازیگر، نویسنده، نوازنده، خواننده و مسئولان کارهای فنی با «صبح جمعه» همکاری می‌کنند.

سوزهای «عیدانه و لیخند» مواردی بود که مردم در ایام عید با آن سسر و کار داشتند مانند خانه‌تکانی، خرید شب عید، دیدن و بازدید، پر خوری و چاقی، طبیعت گردی، سفر، درمان‌های سسر خود، چشم و همچشمی، هفت‌سین و... در دستمایه نویسندگان برنامه قرار گرفت. در بخش نمایشی مسابقه شنگول با موضوع اجزای سفره هفت‌سین توسط داوود منفرد، خانواده سرسرم با بازی حجت شوکت، عباس نباتی و زهره کدخدازاده نمایش جانم‌لی و هبیت بسا بازی عباس محبی و مرضی تریزی، آقای منقشایان با بازی اصغر سمسارزاده، ماجراهای خواستگارهای مهناز با بازی سارا جعفری، آقایی کوچی کسی که از کله کوه می‌سازد با بازی حمیدالله با پخش شد. ضمن اینکه ۵۴ طنزآهنگ برای ایام عید توسط هنرمندان «رادیو جمعه» تولید شد.

■ لزوم تداوم جشنواره‌های رادیویی
هره‌ای که رسانه‌های تصویری نیز در رقابت با چند رسانه‌ها با مشکل اساسی روبه‌رو شده است، رادیو نیز مانند حفظ ارتباط دوسویه با مخاطب است؛ ارتباطی که باعث ایجاد حس همدمی میان شنوندگان و رسانه‌ها می‌شود. در برگزاری جشنواره انتخاب بهترین‌های رادیو توسط مخاطبان این رسانه، بهترین راه برای درک میزان مقبولیت برنامه‌های رادیویی و سنجش میزان اعتبار شبکه‌ها در میان شنوندگان است. از سوی دیگر این فرصت را فراهم می‌کند تا مدیران معاونت صدا، از سلیقه شنوندگان خود باخبر شوند. انتخاب رادیو جوان در میان بهترین‌های رادیو به خوبی نشان دهنده توجه نسل جوان به رادیو است و این فرصتی است که می‌توان آن را برای بالابردن میزان شنونده‌های رادیو استفاده کرد. طبق آخرین نظرسنجی‌ها رادیو چیزی بیش از ۳۵ درصد شنونده دارد. این میزان اگر چه برای یک رسانه صرفاً شنیداری رقم خوبی است اما می‌توان آن را افزایش داد. رادیو رسانه‌ای قدیمی و رده‌شده در جامعه است که توانسته بیش از هفت دهه همراه مردم ایران باشد و تداوم این همراهی با گسترش راه‌های ارتباطی مخاطب و رادیو محقق می‌شود.

■ عیدانه و لیخند» دوم
یکی از پر مخاطب‌ترین برنامه‌های رادیویی که در جمله برنده‌های رادیو به شمار می‌رود، برنامه «صبح جمعه» است. برنامه‌ای که به فراخور اجرا با نام‌های دیگری نیز تولید و پخش شده است. این برنامه مفرح رادیویی توانست عنوان دوم پرشنونده‌ترین برنامه نوروزی است اما می‌توان دست آورد. اهالی این برنامه با «عیدانه و لیخند» از ۲۸ اسفند تا ۱۲ فروردین ساعت ۹ صبح لحظات خوب و مفرحی را برای شنوندگان رادیوایران رقم زدند. قدوسیان (تهیه‌کننده) می‌گوید: یکی از

عاشقانه آنها بی‌خبریم پس در پروسه همدمی و رنجی که در دوری و به دست نیاوردن معشوق‌شان می‌کشند هم نمی‌توانیم با آنها همراه شویم. در نتیجه عشقی ساخته نمی‌شود و ایده‌ها هدر می‌روند.

دیگر اینکه روایت اپیزودیک فیلم هیچ امتیازی برایش محسوب نمی‌شود. مدرن بودن در ساختار به ضرب و زور به دست نمی‌آید. چسباندن سه قصه در بازه زمانی معین و ارجاع به اپیزودهای پیشین (در لحظاتی از فیلم) چه ربطی به جهان زیستی آن آدم‌ها دارد؟ بهتر نبود سراسر است قصه را روایت کند؟ آیا منطق روایی فیلم نباید با منطق زندگی شخصیت‌هایش همخوان و هماهنگ باشد؟ حال آنکه روایت اپیزودیک «پاپ» کوشش تکنیکال عیدی پور است (لایه برای همین ضمن فیلم‌های هنر و تجربه اگران می‌شود) بدون توجه به جهان ساده و دینی مردمی که سراغ‌شان رفته است. هنر اگر واقعاً شکل گرفته باشد باید از هر چیز از زندگی لبریز است و از پیچیدگی و شلوغی تحمیلی و نمایشی به دور. در این صورت نیازی ندارد خودش را با اسم‌های شیک و زینتی و بی‌ربط خریدنی کند. شریف و صادقانه قصه‌اش را با مخاطب در میان می‌گذارد و بسته به باور و بدلی مخاطب در جهان در جان مخاطب هم خانه می‌کند. همان کسانی که قصه‌هایش را از آنها الهام گرفته است. چه اینکه در نهایت آدم‌ها به دنیا می‌آیند و می‌میرند اما قصه‌ها همدمی و ابدی هستند و نامیرا.



نگاهی به فیلم «پاپ»

لکنت در بیان سینمایی

منطق کنش‌های افراد فرض گرفته شده است. بی‌نیاز برای مخاطب در جهان اثر قابل درک و دریافت باشد. «پاپ» می‌تواند در جغرافیای دیگری هم روایت شوند. مثل قصه دختری که عاشق پسر دانشجوئی شده و پسری که دختر مورد علاقه‌اش مهاجرت کرده و تنهاش گذاشته است. علاوه بر این هر سه اپیزود در طرح و پیشبرد قصه‌هایشان شدیداً لکنت دارند و سخت درآموزون و کند پیش می‌روند. فیلمساز به خاطر عدم تمرکز روی یکی از این قصه‌ها ناگزیر به روایتی گسسته از سه قصه مستقل زن داده است که در این گسستگی حجم زیادی از انگیزه‌ها و